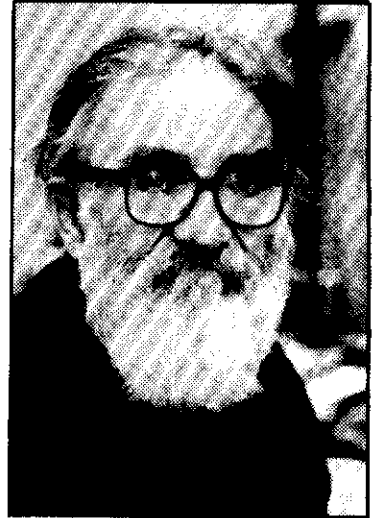


● گفتگو با استاد عبدالحسین حائری
در باره کتابشناسی و نسخه‌شناسی

کتابهای خطی؛ هربرگ، یک سند



استاد عبدالحسین حائری و همکارانش
که با به همین نامه گفتگو است. از
بودن به سومین از این عصر را طی می‌کنند
کتاب گردانده است. همین است و البته به
کتابها را به کتابخانه مجلس کشاند. وی به
دور از هیچ و حرفه‌ای اداری و با روح پرورشی و
عقیده‌ای روشن، سالها با عشق و علاقه هر
برگ کتابهای خطی را کاوش و هرزهری
نظیر در دفتر مطابقت هر روز مشاهده
می‌کردند و همین است زحماتی که از شایسته کار
اداری، یعنی تدوین این کتابها
کتابخانه مجلس برای استاد حائری تنها
محل کار نیست، این عاقلانه از و گنجینه
خطی است سالها کار و تلاش و همت او است.
سال ۱۳۳۹ به اول مرداد به نامه
انصراف از به هیئت روحانی، از قم به تهران

آمد و بعد از آن در کتابخانه مجلس
کار کرد. کار هر روز وی در
می‌گردد به آنها و همیشه و آنها را
کودکانی که از راه دور می‌آیند و
استاد.
دانش از کتابشناسی و نسخه‌شناسی
که نظیر ایران است. به این معنی
خطهای گردانده است. استاد حائری
و نسخه‌شناسی کتابخانه مجلس
کارهای مختلف و این تاریخ ایران را
ایستاد خطی و این گردانده است.
سپاس از استاد و روح پاک او را
به نیکبختی که با ما باقی ماند و
عشق او را به ما و ما را به او.
فرط و بصورتی
سپاس از روح پاک او را که
پروانه

□ با تشکر از این که دعوت ما را برای
گفت و گو پذیرفتید، خواهش می‌کنم در باره
اهمیت کتابهای خطی و هم چنین اهمیت
کتابشناسی و نسخه‌شناسی توضیح بدهید.

■ مسلمانها به زبان فارسی، عربی و ترکی
کتابهای خطی زیادی در دست دارند که برخی از آنها
چاپ شده‌اند. شناختن آثار خطی موجب آشنایی با
فرهنگ عظیم ایرانی و اسلامی است. شناختن این
ذخیره عظیم فرهنگی موجب آشنایی مردم مسلمان با
خودشان و هویت خودشان می‌شود. این به نظر من
خیلی مهم است یعنی الان اهمیت آن بیش از سابق
جلوه می‌کند. حالا که خود مسلمانان بنیاد هویت
خودشان را بشناسند، یا هم دیگر آشنا شوند و با
کارهایی که مسلمانان (چه ایرانی، چه عرب و چه
ترك) انجام داده‌اند، بیشتر آشنایی حاصل کنند، باید
کتابهای خطی را که به مثابه اسناد تاریخی هستند
بکاوند. بدین ترتیب عظمت کاری که مسلمانان در
تاریخ کرده‌اند بیشتر نمایان می‌شود.

از چند دهه گذشته این کتاب‌ها را فهرست کرده‌اند و فهرست‌نویس آنها را می‌شناخت. کتابی را هم که نمی‌شناختند، می‌نوشتند کتابی است در موضوع فلان و زیاد زحمت کشیده نمی‌شد، کوششی نمی‌شد تا اطلاعات جامع‌تری به دست آید. و این حق مطلب را ادا نمی‌کرد. در صورتی که باید اثری را که به دست می‌گیرند، بشناسند. هم از نظر موضوع شناسایی کنند و هم از نظر زمان تألیف و هم از نظر کاتب و غیره. کتاب خطی از دو نظر مورد بررسی قرار می‌گیرد: از نظر نسخه‌شناسی و از نظر کتاب‌شناسی. از نظر کتاب‌شناسی بدین صورت است که مولف، موضوع و مطالب را بشناسد و بداند که از چه مآخذی در آن نقل شده و ابواب و عناوین کتاب چیست. یعنی کتاب‌شناسی خلاصه می‌شود در شناختن کتاب و مولف.

نسخه‌شناسی نکته‌های خیلی زیادی دارد. نسخه‌شناس یعنی کسی که نسخه را بشناسد و معرفی کند، با قطع نظر از مولف.

کتاب خطی گاهی شامل یک و گاهی ده رساله است، از یک کاتب یا کاتبان مختلف که باید شناسایی شود که خط آن چیست و کاغذش چیست و غیره. هر برگ کتاب خطی باید به عنوان یک سند تلقی شود. چون بسیاری اوقات بخصوص نسخه‌های کهنه شاید به خاطر کمبود کاغذ یا به هر دلیلی، رسم بوده که افراد، یادداشت‌هایشان را که خارج از موضوع کتاب بود، در کنار صفحات این کتاب‌های خطی می‌نوشتند.

□ این کار فراتر از تحشیه و حاشیه‌نویسی بود؟

■ بله، چون در تحشیه گاهی توضیحی در مورد متن کتاب می‌دهند یا ایرادی به مطالب آن وارد می‌کنند و... ولی این مواردی که عرض کردم، مطالبی خارج از متن کتاب است که آنجا یادداشت می‌شود که بسیار نکات مهم، یادداشت‌های تاریخی مهم در لابلاهای همین یادداشت‌ها به دست می‌آید. حوادث مهم، اطلاعاتی راجع به مسائل مهم تاریخی که شاید در هیچ یک از متون تاریخی نباشد و تنها در همین اوراق می‌توان پیدا کرد.

□ بررسی دقیق و موşkافانه یا بهتر بگوییم علمی و متدولوژیک کتاب‌های خطی را، پیش از ما اروپائیان و شرق‌شناسان آغاز کردند. (حالا ما نمی‌خواهیم روی آنچه در پاره انگیزه آنان گفته میشود بحث کنیم). در ایران تا آنجا که بنده اطلاع دارم این کار به طور رسمی (جدای از کارهای فردی) توسط ملک الشعراء بهار و اگر اشتباه نکنم تحت تاثیر پرفسور هرتسفلد آلمانی آغاز شد که البته به صورت ابتدایی و خام بود و عمدتاً دیدگاه سبک‌شناسی به نسخه‌های قدیمی می‌نگریست و آن جامعیتی که امروزه در نگرش ما به کتابهای خطی است، مورد نظر نبود و شاید بیشتر نگاه ادبی و زبان‌شناسانه به کتابها داشتند. آیا اکنون روش محققان ایرانی با روش محققان اروپایی و کشورهای دیگر تفاوت دارد؟

■ فرق است بین سبک‌شناسی و نسخه‌شناسی، در سبک‌شناسی مثلا نوشته‌ای که

در قرن چهارم بوده (مثلا تاریخ طبری)، دارای سبکی است که با سبک تاریخ و صاف که در قرن هفتم نوشته شده، تفاوت دارد. مثلا در نوشته‌های فصل چهارم فارسی بیشتر از عربی است، سبک ترکیب کلمات قرن چهارم با قرن هفتم یا نهم فرق دارد.

الان سبک‌شناسی هم نسبت به زمان مرحوم ملک الشعراء بهار کمی تغییر کرده. ایشان سبک‌های ادبی را به چند دوره تقسیم کرده، حالا آثاری پیدا شده که در زمان ملک شناخته شده نبود.

به هر حال سبک‌شناسی، از نسخه‌شناسی متفاوت است. البته یک نسخه‌شناس یا یک کتاب‌شناس از سبک‌شناسی هم می‌تواند در کتاب‌شناسی استفاده کند. مثلا می‌تواند با تشخیص این که سبک فلان کتابی که تاریخ ندارد، سبک قرن چهارم است، تاریخ نگارش آن را حدس بزند. سبک‌شناسی هم یکی از ابزار شناخت کتاب است.

□ خواهش من این است که نکته‌های فنی و تخصصی را در این زمینه توضیح بدهید. مثلا همین تاریخ نگارش یا تألیف را بجز سبک از روی کدام شواهد و قرائن می‌توان شناخت؟ اصولا کتاب‌شناس با کتاب خطی چه کار می‌کند؟

■ اگر مولف معلوم باشد که معلوم است متعلق به چه قرنی است. البته گاه می‌شود که مولف ناشناس است. مثلا عبدالرحیم فلان. و این عبدالرحیم برای ما شناخته شده نیست. باید کتاب بررسی شود، ضوابطی برای این کار وجود دارد.

کتاب باید به دقت خوانده شود و از چیزهایی که از روی آنها می‌شود به زمان تألیف پی برد، استفاده کرد. مثلا گاهی مولف، تالیفات دیگری از خودش را نام می‌برد که آنها شناخته شده‌اند، یا از علما یا کتاب‌ها و مآخذ دیگری ذکر می‌کند که به این کار کمک می‌کند. کمتر کتابی ممکن است، تاریخ تالیفش (لااقل قرن آن) روشن نشود. یقینا اگر کتابی فارسی یا اسلامی در فلسفه تألیف شده باشد و از ابن سینا مطلبی نقل نکرده باشد، این از قرائن است که حتما کتاب قبل از ابن سینا نوشته شده. همین طور کتابی که در فقه نوشته شده باشد و از مرحوم مرتضی انصاری نام نبرده باشد، حتما پیش از او نوشته شده است. البته اگر سبک نوشته‌اش هم یاری کند.

روی هم رفته مسائلی از قبیل سبک نوشته و کتاب‌ها و اشخاص و رویدادهایی که نام آنها در کتاب خطی آمده باشد، همه کمک می‌کند که قرن تألیف را بشناسیم.

□ طبعاً همه کتاب‌های خطی به یک اندازه نسخه برداری نشده‌اند. این تفاوت از کجا ناشی می‌شود و اساساً نسخه برداری چگونه و توسط چه کسانی انجام می‌شود؟

■ در زمان قدیم که چاپ نبود، کتابها را از روی هم دیگر می‌نوشتند. طبعاً اگر مولف شخص نامداری بین علما بوده و شاگردان زیادی داشته یا وابسته به درباری بوده، یا شخص گردن کلفت و پرزوری از او حمایت

می‌کرده کتابهایش نسخه برداری می‌شده در غیر این صورت، نه. در تمام تاریخ کتاب‌ها این امر مشهود است.

مثلا علامه حلی هم شخص مشهوری بوده و هم دربار سلطان خدابنده از او حمایت می‌کرده و خدابنده آخرین پادشاه مغولی مرید او بوده و حتی او را با تشکیلات مدرسه‌اش همراه خودش می‌برده. کتاب‌های علامه حلی را اگر نگاه کنید، در پایان آنها نوشته شده که این کتاب در مدرسه سیاره که در اردوی کجا واقع است تمام شده. شاگردان و همه حوزه علامه حلی همیشه در رکاب سلطان خدابنده حرکت می‌کرد. به هر حال استنساخ تنها شکل تکثیر کتاب‌ها بوده و این کار تا قرن سیزدهم هجری قمری که ماشین چاپ و چاپ سنگی به ایران آمده، ادامه داشته. حتی پس از ورود ماشین چاپ باز هم تا مدت‌ها نسخه برداری معمول بوده، علما و طلاب از روی کتاب‌ها با دست می‌نوشته‌اند.

من کسی را می‌شناسم (سیدمحمدعلی قاینی اصفهانی) از ریاضی‌دانان برجسته که معلم بوده و استاد خط شکسته نستعلیق بوده که در یکی از رساله‌هایش آمده که خودش ۱۴ باریکی از کتابهایش را نوشته است. من فکر می‌کنم شاید به خاطر فقری که داشته مجبور بوده آنها را بنویسد و بفروشد یا هدیه کند به شخصیت‌ها، نسخه‌ای به نام یک حاکم و نسخه‌ای دیگر به نام حاکم دیگر.

بعضی علما هستند که نسخه دست‌نویس خودشان در دست است و هیچ از آن نسخه برداری نشده است. چون یا نامدار نبوده یا بوده و کسی از این کتاب اطلاع نداشته و در عوض مثلا «شرح لمعه» کتابی است که از وقتی شهید ثانی در قرن دهم آن را نوشته، دست به دست در حوزه‌ها گشته و طلاب از روی آن می‌نوشته‌اند، به هر حال این کتاب مقبول دانشجویان بوده است. شاید در همین کتاب خانه ما صدها نسخه از «شرح لمعه» داشته باشیم.

□ چرا گاهی تشخیص نسخه اصلی یک کتاب دشوار می‌شود؟ ظاهراً از فرمایشات جنابعالی برداشت می‌شود که مولفان - دست کم مولفان نامدار - قابل تشخیص هستند و شواهد کافی برای تاریخ تألیف یا استنساخ به دست می‌آید. چگونه است که پس از این همه سال باز هم نسخه جدیدی از کتاب حافظ چاپ می‌شود و هر بار یک مصحح - که شاید نسخه‌شناس هم نباشد - با ادعاهایی تازه دیوان حافظ را چاپ می‌کند؟

■ خیلی از نسخه‌ها این طور است. ولی چون حافظ مشهور است، همه از این موضوع در مورد او اطلاع دارند. نسخه‌هایی که از دیوان حافظ در دست





است خیلی با هم اختلاف دارند. علت آن چیست؟ نمی‌دانم.

بعضی‌ها می‌گویند که خود حافظ، چند بار در کار خودش تجدیدنظر کرده. یا چون افراد زیادی از آن استفاده می‌کردند، از حافظه خودشان چیزی به آن اضافه می‌کردند و نقل می‌کردند. کاتبان هم همین طور.

سعی بر این است که قدیم‌ترین نسخه به دست بیاید. تا این زمان، قدیم‌ترین نسخه که ادعا شده وجود دارد و چاپ شده متعلق به ۸۰۵ هجری قمری است یعنی متعلق به حدود ۷ یا ۸ سال پس از درگذشت حافظ. این نسخه به گمانم در هند یا پاکستان نگهداری می‌شود. بعد محققان به آن ایرادهایی وارد کردند. به هر حال تاریخ نگارش این نسخه به دروغ یا به غلط ۸۰۵ هجری نوشته شده و شعرهای بسیار سستی در آن است و سبک آن قبل از قرن یازدهم نیست.

□ این که کاتبان ممکن بوده به سلیقه خودشان چیزی به نسخه اصلی اضافه کنند، آیا همیشه قابل تشخیص است؟

□ این هم جزئی از مشکلات است. نه. همیشه نمی‌توان پیدا کرد ولی بعضی شواهد هست. مثلا همین نسخه حافظ که عرض کردم. من چند غزل آن را خواندم دیدم که نمی‌تواند متعلق به حافظ باشد. برای آقای محیط طباطبایی چند بیت آن را خواندم، ایشان هم گفتند که مال حافظ نیست. برای چند نفر از متخصصان شعر هم خواندم که همه آن را متعلق به حافظ نمی‌دانستند. آقای محیط نظرشان این بود که بعضی شاعران دیگر هم تخلص خود را «حافظ» انتخاب کرده‌اند و بعضی از اشعار آنها به طریقی در دیوان حافظ راه یافته است.

به هر حال کاتب گاهی فکر کرده این کلمه زیباتر از آن کلمه است. یا معنی کلمه‌ای را نفهمیده و به جای آن کلمه‌ای گذاشته و در حین نوشتن اشتباه کرده است و... خلاصه انگیزه‌های بسیاری هست.

□ آیا متدولوژی واحد و مورد قبولی هست که همه براساس آن بتوانند در مورد يك کتاب (اصالت آن، قدمت نسخه‌ها و...) به توافق برسند؟

□ خیر. الان تنها چیزی که همه توافق دارند، پیدا کردن قدیم‌ترین نسخه است. روش کلاسیک آن است که نسخه دست‌نویس مولف به دست آید. در غیر این صورت، خیلی از ارزیابی‌ها، حدسی است. آقای دکتر خانلری معتقد است که درست نیست که ما روی قدیم‌ترین نسخه تکیه کنیم، از کجا معلوم که نسخه بعدی درست‌تر نباشد و از روی نسخه صحیح‌تری که به دست کاتب افتاده نوشته نشده باشد؟ مگر این که آدم خیلی دقیق و آگاهی بگوید که این نسخه را از روی قدیم‌ترین نسخه نوشته‌ام و تازه تا چه حد می‌توان به این سخن اعتماد کرد. به هر حال تنها ملاک قطعی، نسخه خط مولف است.

□ استاد، قطعاً خط شناسی هم می‌تواند کمک خوبی برای شناخت نسخه‌ها باشد. چون سبکهای مختلف خوش‌نویسی هم هر کدام در مقطع خاصی پدید آمده‌اند و همچنین شیوه نوشتن استادان خوش‌نویس به خوبی آشکار

است و می‌توان آنها را به آسانی تشخیص داد؟

□ بله، اینها همه کمک می‌کند. خطی که متعلق به قرن نهم یا دهم است به ما کمک می‌کند و خط از قرینه‌های بسیار مهم است. همین نسخه حافظ که تاریخ آن ۸۰۵ هجری است، خط آن هم متعلق به قرن نهم نیست.

خط از ملاکهای مهم تشخیص ماست. آنچه در مورد شعرشناسی و غیره گفتیم، موقعی است که دیگر خط یا امضاء، یا چیزهای دیگر نتواند کمک کند، آن وقت سراغ چیزهای دیگری رویم. آن وقت یکی پیدا می‌شود می‌گوید من حافظ شناسم - البته خیلی‌ها هم هستند - و این شعر را منسوب به حافظ نمی‌دانم. اینها دیگر حدسی است.

□ آیا در ایران جایی برای آموزش مدون نسخه‌شناسی وجود دارد؟ مثلا در دانشکده ادبیات یا در دانشکده کتابداری؟

□ نسخه‌شناسی هنوز در جهان مدون و کلاسیک نشده، اما همان روشی است که فهرست‌نویسان محقق کتابخانه‌ها نوشته‌اند. چند بار به بنده مراجعه شده و صحبت‌هایی هست که در دانشکده‌های ما به صورت برنامه‌ریزی شده آموزش داده شود. البته الان ساعت‌هایی از درس دانشجویان رشته ادبیات، یعنی چند واحد درسی به نسخه‌شناسی اختصاص دارد. ولی آنچه هست بسیار بسیار ابتدایی است و از آن کلاس‌ها چشم من آب نمی‌خورد که در آینده نسخه‌شناسان قابل‌بیرون بیرون باید ولی امیدوارم در آینده پیشرفت کند.

□ کسی که می‌خواهد به نسخه‌شناسی بپردازد باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

□ نسخه‌شناسی احتیاج به سواد دارد. باید کسی بتواند متن فارسی و عربی را به دقت بخواند و بفهمد. این حداقل چیزی است که برای نسخه‌شناسی و کتاب‌شناسی لازم است. آشنایی با فرهنگ اسلامی و علمای شیعه و سنی لازم است چون نسخه‌های خطی ما عمدتاً در چارچوب فرهنگ اسلامی است و علاوه بر اینها، توانایی خواندن خط‌های مختلف.

دانشجویانی که اینجا می‌آیند، من متوجه می‌شوم که خط کاتبان را نمی‌توانند بخوانند، یا آن احساس بیگانگی می‌کنند. مثلا نوشته: رساله فارسی - حساب ملاعلی قوشی، اصلا این کلمه قوشی و ملاعلی برایش ناآشناست. من همیشه به دانشجویان توصیه می‌کنم که سعی کنند خط را بخوانند، با خط آشنا شوند.

□ استاد، وقتی بنده دونکته از صحبت‌های شما را کنار هم می‌گذارم، می‌بینم که يك نارسایی عمده (چیزی مانند بی‌مسئولیتی یا سهل‌انگاری) وجود دارد. از طرفی شناخت کتابهای خطی دارای اهمیت بسیار است و از طرف دیگر آنچه در دانشکده‌های ما به عنوان تربیت نسخه‌شناس صورت می‌گیرد در حد بسیار بسیار ابتدایی است. و این وضع بسیار نگران‌کننده است. مگر چند نفر مانند شما در این کار تجربه دارند؟ باید امکاناتی در اختیار می‌بود که شما و متخصصان دیگر، دهها شاگرد تربیت کنید؟

□ اشکال در شیوه آموزش است. لابد دانشگاه هم محدودیت‌هایی داشته. تفسیر دانشجوی نیست. در حال حاضر کسانی که توانایی این کار را داشته باشند بسیار اندک هستند. کسانی که جمع سواد فارسی و عربی و آشنایی به فرهنگ اسلامی و خط‌شناسی در حد ابتدایی را داشته باشند و علاقمند به این کار باشند بسیار کم هستند متلاهم ردیف آقای دانش‌پژوه بنده کسی را

نمی‌شناسم. به هر حال الان تلاش‌هایی می‌شود که اگر به ثمر بنشینند، امیدوارکننده است.

□ آقای حائری، تحقیقات در زمینه نسخه‌شناسی در خیلی از کشورها جنبه نهادی دارد، یعنی يك آکادمی یا مرکزی مسئولیت آن را به عهده دارد. آیا در ایران چنین مرکز یا انجمنی وجود دارد؟

□ به آن صورت نه. در دانشکده کتاب‌داری به این رشته توجه شده، البته کمتر از نظر نسخه‌شناسی و بیشتر از نظر نگهداری و طبقه‌بندی آنها. اخیراً در همان دانشکده و چند دانشکده دیگر واحدهایی برای نسخه‌شناسی گذاشته‌اند. چنین مراکزی در خارج حتماً هست. من تنها جایی را که اطلاع دقیق دارم، شوروی سابق است. آقای دکتر «آکی موشکین» که به اینجا می‌آمد، می‌گفت «من دکترای نسخه‌شناسی هستم». او چند کتاب راجع به فهرست کتاب‌های فارسی خطی کتابخانه لنین‌گراد نوشته بود. تازه او می‌گفت که متخصص قرن نهم و دهم هجری است لابد در اروپا و امریکا هم چنین مراکزی هست که مثلا دکترای نسخه‌شناسی بدهند ولی من خبر ندارم.

□ نسخه‌شناسی مستلزم داشتن حوصله، وقت و علاقه است. متأسفانه زندگی امروزی و شرایط کنونی که هر دانشجوئی حداقل يك جا

مشغول کار است تا درآمدی برای گذران زندگی داشته باشد، اغلب دانشجویان فوق لیسانس متاهل هستند و خلاصه غم نان نمی گذارد که آسوده خاطر، ساعتها يك كتاب خطی را بررسی کنند. در چنین شرایطی چه می توان کرد؟

■ باید کسی باشد پرحوصله و کار دوم و سوم هم نداشته باشد. من در مقدمه جلد دوم سنایی نوشته ام: امیدوارم در دوره جمهوری اسلامی عده ای کار نسخه شناسی و کتاب شناسی را پیش بگیرند، بدون این که بخواهند از این راه اعاشه کنند. یا به هر صورت معیشت آنها تامین باشد. این وضع با حقوق های اداری حاصل نمی شود. این کتاب پنج ماه است که در دست من است و هنوز از پس آن بر نیامده ام. کتاب هایی پیدا می شود که بی سرو ته هستند.

□ دسته بندی و ترتیب کتابهای خطی در کتابخانه به چه صورت است؟

■ اینجا مجموعه های کتاب های خطی جداگانه نگهداری و فهرست نویسی می شود. اغلب مجموعه ها هدایی افراد یا خانواده های مشهور است که به نام خود آنها جداگانه نگهداری می شود. مثلا این کتاب را که ملاحظه می کنید، جزء مجموعه سیدمحمدصادق طباطبایی است که در دوره چهاردهم، رئیس مجلس بوده، فرزند سیدمحمد طباطبایی است که از رهبران جنبش مشروطه بود. در این مجموعه ۱۴۳۸ جلد کتاب خطی هست که مجموعه نفیس و سنگینی است.

□ این کتاب ها که جداگانه نگهداری می شود، کار محقق را کمی دشوار می کند چون یکجا نیستند و شاید يك نسخه در چند مجموعه لیست شود.

■ بله، اما محقق آنقدر دشواری دارد که این چیزی نیست. ولی فیش همه مجموعه ها هم یکجا ترتیب می شود و هرکس می تواند همه آنها را از نظر بگذراند.

□ قدیم ترین نسخه کتاب خطی که در ایران و قدیم ترین در مجموعه کتاب های خطی کتابخانه مجلس چه کتاب هایی هستند؟

■ قدیم ترین کتاب خطی در ایران قرآن متعلق به قرن اول هجری است که در آستان قدس نگهداری می شود. گنجینه قرآن آستان قدس خیلی ارزشمند و مهم است. در آنجا قرآنی نگهداری می شود که خط آن منسوب به علی (ع) و قرآن دیگری منسوب به امام سجاد (ع) است. برخی از اینها را در زمان سلاطین و خلفای گذشته آورده اند و سند داریم که از قرن ششم در ایران بوده اند.

قدیم ترین نسخه موجود در کتابخانه مجلس، يك نسخه قرآن متعلق به قرن چهارم هجری است.

□ آیا کتاب های خطی در ایران منحصر به دوره اسلامی است و آیا ماقبل از اسلام کتاب خطی نداشته ایم؟

■ در ایران خیلی کم است. کتاب های خطی به زبان پهلوی مقداری هست که در موزه ایران باستان نگهداری می شود ولی ما اینجا نداریم و اگر کسی

چنین کتابی برای ما بیاورد او را به موزه ایران باستان راهنمایی می کنیم در آنجا کسانی هستند که زبان پهلوی را می دانند، مثل آقای قجائی که چند زبان را می دانند.

■ در واقع این کتابهای به زبان پهلوی را می توان قدیم تر از قرآن گنجینه آستان قدس دانست.

■ بله، همین طور است.

□ در مورد مرمت کتاب ها هم اگر ممکن است توضیحی بفرمایید.

■ در این زمینه تکنولوژی پیشرفته هست. دستگاههایی هست که آنها را ما داریم. برای ضد عفونی کردن و مرمت کردن دستگاه هایی هست. با وسایل مدرن پارگی ها ترمیم می شود. اینجا ما هم صحافی سنتی و هم صحافی مدرن داریم و کتابها به خوبی نگهداری می شوند. این امکانات را سازمان اسناد ملی، آستان قدس و جاهای دیگر هم دارند. البته بعضی ها خط را هم اگر ریخته باشد یا پاک شده باشد، بازسازی می کنند یا دوست دارند تذهیب حاشیه کتابها را تکمیل کنند ولی در اینجا ما این کار را نمی کنیم.

□ مهمترین مراکزی که کتاب های خطی نگهداری می کنند، کجا هستند؟

■ بجز کتابخانه مجلس، آستان قدس، کتابخانه ملی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، دانشگاه اصفهان و کتابخانه آیت الله مرعشی از مراکز مهم نگهداری نسخه های خطی هستند. البته مراکز دیگری هم هست ولی اینها عمده ترین هایشان است.

□ آماری از نسخه های آنها در دست هست؟

■ من نمی دانم. فکرمی کنم کتابخانه ملی حدود ۱۲ هزار نسخه داشته باشد. آستان قدس براساس آماری که اخیرا منتشر کرده اند و فهرست حدود ۱۵ هزار و اندی کتاب دارد و شاید هم بیشتر. از کتابخانه آیت الله مرعشی اطلاع دقیقی ندارم ولی من شنیده ام که ۲۰ تا ۲۵ هزار جلد کتاب خطی دارد. دانشگاه تهران حدود ۱۰ هزار تا و البته کتابخانه های دانشکده های مختلف هم ممکن است هر کدام تعدادی کتاب خطی داشته باشند. کتابخانه مجلس ۱۶۵۰۰ جلد کتاب خطی دارد.

□ آقای حائری، آیا قانونی در مورد مالکیت کتاب های خطی وجود ندارد؟ چون اینها به يك اعتبار می تواند در شمار میراث فرهنگی کشور به حساب آید.

■ الان نه. بعضی جاها هست. من شنیده ام مثلا در عراق این طور است. که اداره اوقاف عراق اگر بفهمد کسی کتاب خطی دارد به او مراجعه می کند، یا می خرد یا اگر نفروختند آن را مهر می کند و باید فروش آن هم با اطلاع دولت باشد. دو سال پیش که عده ای می خواستند همراه مقداری اجناس عتیقه، چندین نسخه کتاب خطی را از کشور خارج کنند و گیر افتادند، صحبت هایی شد ولی بعدا پیگیری نشد.

البته قانونا خروج کتابهای خطی ممنوع است ولی مالکیت آن نه.

□ قیمت گذاری کتابهای خطی به چه صورت است؟ ملاک های ارزیابی آنها چیست؟

در ضمن گران ترین کتاب خطی چه کتابی است؟

■ کهنه بودن، خط مولف بودن، خط اساتید خط و... هر کدام يك ارزش بخصوصی دارد. کتابهای قه و اصول و اخبار خطی که کهنه باشد، قیمت دارد.

افرادی هستند که کارشناس این کار هستند و البته گاهی هم نظرشان نسبت به قیمت يك کتاب بسیار متفاوت است. به هر حال کتاب خطی هم مانند هر چیز دیگر يك بازاری دارد.

در مورد گران ترین هم بنده اطلاع دقیق ندارم. در خارج که زیاد شنیده می شود که کتاب های خطی فارسی خرید و فروش می شوند مثلا شاهنامه را پنجاه هزار بوند خریده اند. در ایران تا آنجا که بنده اطلاع دارم يك دفتر متعلق به ملاصدرا بود که دفتر یادداشت های شخصی او بود که به مبلغ يك میلیون تومان به فروش رفت. این دفتر متعلق به خانواده فیض از نوادگان ملافیض کاشانی (داماد ملاصدرا) بود.

□ با تشکر از این که وقت گرمی تان را در اختیار ما گذاشتید، اگر نکته ای ناگفته مانده و لازم می دانید، بفرمایید.

■ من هم متشکرم و ترجیح می دهم به جای هر چیز دیگر يك خواهشی از برخی جوانان بکنم امیدوارم از بنده دلگیر نشوند. چیزی که مرا آزار می دهد کندن اوراق و عکسها از میان کتابهاست که بعضی افراد بی مسئولیت گاهی دست به چنین کاری می زنند. و این بلاي عظیمی است که هنوز عقلم به جایی نمی رسد که چگونه می شود از آن جلوگیری کرد. این کار سابقا بیشتر بود، چون فتوکپی نبود ولی به هر حال هنوز هم هست. من با چند کتابخانه دیگر هم مطرح کرده ام که برای این بلا چاره ای بیندیشیم. ما از ترس این آسیبها برخی از کتابهای خوب، بعضی از دایرةالمعارف ها را به ناچار از دسترس دور کرده ایم و خودمان هم متاسفیم.

بعضی هم دور عکسها یا مطالبی خط می کشند. من امیدوارم که کسی این کارها را نکند. اگر عکس یا مطلبی را بخواهند تقاضا کنند به آنها فتوکپی داده می شود.

□ به نقل از صنعت چاپ، شماره ۱۱۴

